

آواشناسی و واج شناسی میان زبان عربی و فارسی (بررسی تطبیقی)

علمي الصوت والصوتيات بين اللغتين العربية والفارسية
(دراسة تطبيقية)

Phonetics and phonology between Arabic and Persian (comparative study)

م.م. فاطمه جواد عبد

Fatima Jawad Abid

fatimajawad@gmail.com

خلاصة:

على أساس أجهزة الحديث.
يكون علم الصوتيات السمعية حول صدى
الاصوات الى المستمع يعتبر علم الصوتية
احدى الخصائص الفيزيائية والصوت
ان نظام الاصوات واحد من الانظمة يدفع
لاجل دراسة النظام الصوتي للغة الفارسية
ان الاصوات بطريقتين الاصوات تتركز
على الحروف الساكنة والاصوات التي تتركز
على الحروف العلة.
في النظام الصوتي ثلاثة وعشرون حرفا
ثابتا وتوجد ستة احرف للغة.
يمكن القول ان الجهاز التنفسي المسؤول
في انتاج الاصوات ان الاصوات هي لاجل

علم الصوتيات في اللغة الفارسية هو
دراسة حول الاصوات اللغوية تكون الاصوات
في اللغة الفارسية كل وحده لغوية باكل علامة
ان الاصوات بصورة عامة مجموعة من
العلامات الفارسية لاجل التشخيص يكون
الصوت من قسمين يسمى الدال والمدلول.
تنشأ الاصوات من الاصوات الخارجية من
داخل الانسان وتكون مقدرة كل انسان في توليد
الصوت المتنوع نجد من دراسة الاصوات هي
حول كل الاصوات الموجودة في كل الدنيا.
ان علم الصوتيات يكون في ثلاث صور علم
الاصوات الانتاجية ان علم الاصوات الانتاجية
في اللغة الفارسية يدفع الى وصف الاصوات

تحليل اللغات المتنوعة.

ان علم الاصوات يعد من انظمة اللغة وان علم الصوتيات يكون بدايه لكل لغة.
يمكن القول ان الجهاز التنفسي هو المسؤول في انتاج الاصوات • ان الاصوات هي لاجل تحليل
اللغات المتنوعة ان علم الاصوات يعد من انظمة اللغة وان علم الصوتيات هو بدايه لكل لغة.
الكلمات المفتاحية: الصوتيات، الاصوات، اللغة، العربية، الفارسية.

Abstract

Phonetics in Persian language is the study of linguistic sounds. The sounds in the Persian language are interrelated individual linguistic units. The sounds are generally a group of Persian signs used for the purpose of diagnosis. The sound is of two parts called the denotative and the denoted.

The sounds are those external sounds produced within the human body. The capacity of generating sounds is varied among humans.

We find that the phonetical study of sound is concerned with every existing sound.

Phonetics can be divided into three categories, productive phonetics, auditory phonetics, and acoustic phonetics.

The science of productive phonetics in the Persian language adopts describing sounds on the basis of speech devices. It can be said that phonetics is a product compatible with human body characteristics, leading to the production of sounds.

Auditory phonetics is about the resonance of sounds to the listener. Acoustic phonetics is one of the physical properties of sound.

The sound system is one of the systems that aims for the study of the phonemic system of the Persian language that can be divided into two sounds,

consonants-based sounds vowels-based sounds.

The sounds in the Persian language are of different types, and each sound has a name.

The respiratory system can be thought of as being responsible for the producing sounds. Sounds are used for the analysis of various languages, Phonology is one of the language systems, and Phonetics is the genesis of every language.

Keywords: phonetics, sounds, Arabic, Persian

چکیده:

آواشناسی در زبان فارسی که بررسی درباره آواهای زبانی است. که آواهای در دستور زبان فارسی هر واحد زبانی با هر یک نشانه می شود. که آواها بصوت کلی مجموعه از نشانه های فارسی برای تعریف شده است. که صدا از دو قسمت می شود که مدلول و دال می نامند. که نام آواها که از اصوات خارجی شده از درونی انسان می باشد. که آواشناسی که توانایی هر انسان در تولید هر صدا گوناگون می باشد. که بررسی آواهای می یابیم که هر آواهای در زبان فارسی مشترک در واج های وهم اصوات می باشد. آواهای در هر زبانهای دنیا هستند آواشناسی در سه صوت می گیرد. آواشناسی تولیدی، آواشناسی شنیداری، آواشناسی آکوستیک است.

که آواشناسی تولیدی در زبان فارسی به توصیف آواها بر اساس اندامهای گفتار می پردازد. می توان گفت که آواشناسی تولیدی با ویژگیهای بدن انسان و اثر این بر تولید صداها می باشد. آواشناسی شنیداری درباره آواها به شنونده می شود آواشناسی آکوستیک به ویژگیهای فیزیکی و آوا می باشد. که نظام واج شناسی یکی از نظامهای برای بررسی نظام آوایی زبان فارسی می پردازد. واج آرایبی به دو صورت می باشد واج مبتنی بر صامت ها و مبتنی بر مصوت ها است.

آواهای در زبان فارسی بر گوناگون مختلف می باشد هر آوا نام را دارد

می توان گفت که تنفس بازدمی در تولید آواهای است. آواهای برای تحلیل زبانهای گوناگون است. که واج شناسی از نظامهای زبان به شمار می آید که آواشناسی آغاز برای زبان می شود.

کلمات کلیدی: آواشناسی, واج شناسی, زبان, عربی, فارسی.

مبحث یکم

تعریف آوا در لغت و اصطلاح

تعریف آوا در لغت: آواز و صدا (دهخدا, ۱۳۵۲: ۲۲-۴۷۱)

تعرف آوا در اصطلاح: اشاره به حوزه مطالعات آوایی مورد استفاده قرار می گیرند (افراشی, ۱۳۹۱: ۲۵)

تعریف واج: گفتار و کلام و سخن (دهخدا, ۱۳۲۵: ۲۲).

آواها

نشان شناسی آواها

هر واحد زبانی با هر نشانه / sign از دو قسمت تشکیل شده است که سوسورانها را مدلول (مفهوم) و دال (تصویر آوایی) می نامند. تصویر آوایی دقیقاً همان صدای فیزیکی نیست بلکه اثر روانی صدا یعنی تأثیری است

که وجود می آورد (کلیگز, مری, نظریه ی ادبی چیست؟)

پس یک نشانه ی زبانی متشکل از مفهوم و تصویر آوایی است ازین رو کلمات گذشته از مفهوم خود از یک تصویر آوایی در ذهن خوانند برخوردار هستند مثلاً واژه «خواب» علاوه بر مفهوم خود نشانه هایی از صدای خروپف و اصوات طبیعی انسان به هنگام خواب را به همراه دارد همچنین واژه «آه», «آخ», «آخ», «هوم» و ... به عنوان نشانه های طبیعی واکنش های صوتی انسان نسبت به موقعیت های افسوس, حسرت, تصدیق, تأیید یا تعجب و ... هستند: (زمردی, ۱۳۹۱: ۱۷۱).

نام آواها:

نام آواها چنان که از نامشان پیداست توصیفی از اصوات خارج شده از احوالات درونی انسان هستند و به لحاظ خاستگاه فیزیولوژیکی و روانی خود تناسب اصواتی و مفهومی آن ها بایکدیگر برقرار است. چنان که نام آوای ابداعی اصوات پرندگان در شعر زیر از دکتر شفیعی کدکنی به خوبی گویای این تناسب است:

صدامی آید/ یک ریز/ روز و شب
از باغ: چپوچپو/ چ/ چه/ چپوچپو/ چ/ چه

/ چو چو چه چه

هم چنین «جرنگ» به عنوان نام آوای شکستن شیشه معنی و صوت را بایک دیگر اتحاد می بخشد (همان منبع قبلی، ۱۳۹۱: ۱۷۸)

چک چک (صدای باران)

یک ریز به گوش پنجره پیچ کرد / چکچک
چک چک ۰۰۰ چه کار با پنجره داشت
(پور، ص ۸۹)

از سویی می بینیم که برخی نام آواها بر اساس نظریه ی سوسور، تحولاتی آوایی در راستای کاهش با افزایش پیدامی کنند تا به هویت نیشانگر خود حول یک محور اصلی و صورت اولیه ی نام آوا نزدیک شوند چنان که نام آوای متداول «قهقهه» برای صدای بلند خنده دچار این حالت شده است:

هی هی (صدای چوپان راندن کله)
هایهای (صوت همهمه و تراکم صداها)
های/ هو (صدای متلون و متغیر و در هم پیچیده)

هو هو (صدای باد)

هو هو (صدای باران)

در واقع از بررسی این شواهد درمی یابیم که آواهای مشترک در واج های «ه»، «ای»، «ی» و نیز اصوات مشترک

در «ه»، «و»، «ی» و هم چنین اصوات امیخته در این ۴ واج هرگونه که باشد نام آواهایی تقلیدی از اصوات مبتنی بر هرگونه که باشند نام آواهایی تقلیدی از اصوات می گیرد و از هسته معنایی مشترک برخوردارند (زمردی، ۱۳۹۱: ۱۸۵)

آواشناسی:

مطالعه آواهای می تواند مرحله اول برای بررسی علمی هر زبانی محسوب شود زیرا آواها ماهیتی ملموس و فیزیکی دارند به همین دلیل می تواند آنها را مورد مطالعه زبانهای ناشناخته ای که نظام نوشتاری،

همانطور که از اصطلاح «آواشناسی» برمی آید، آواشناسی مطالعه علمی آواهای زبانی است ابتدا بهتر است توصیفی از اینکه «آوا» (phone) چیست به دست دهیم سپس به معرفی اهداف و انواع آواشناسی و جایگاه آن نسبت به زبان شناسی بپردازیم
صدایی که در یکی از زبانهای دنیا کاربرد داشته باشد و به وسیله دستگاه گفتار انسان تولید شود «آو» نامیده می شود.

آواهای همه زبانهای دنیا هستند:

بر اساس این باور، انجمن بین المللی آواشناسی (international phonetic) به این اندیشه افتاد که برای آواها مجموعه ای از نشانه های قرار دادی خاص با ارزشهای

مشخص و تعریف شده وضع کند به این ترتیب الفبای آوانگار بین المللی به وجود آمد انجمن بین المللی آواشناسی با استفاده از الفبای آوانگار بین المللی گزارشی را از آواهای کشف شده در نتیجه تحلیل زبانهای مختلف در قالب جدولی منتشر می کند و هرگاه آوای جدیدی کشف شود آن را به جدول مورد نظری افزود شکل نویسه های الفبای آوانگار بین المللی مآخوذ از الفبای لاتین است هر چند ممکن است این نویسه ها کاربردی به جز آنچه در لاتین داشته اند بیابند صرفا وقتی نویسه ای در میان نویسه های الفبای لاتین برای آوایی یافت نشود از نویسه های دیگری استفاده می شود زبان شناسان قرار داد کرده اند آواها را داخل دو قلاب نشان دهند برای نمونه به آواهای (p, n, y) دقت کنید (افراشی, ۱۳۹۱: ۲۲-۲۳)

داده های زبانی را به شیوه های مختلفی می توان آوانگاری کرد در مطالعات صرفا آواشناختی و نیز در مطالعات گویشی آوانگاری با دقت بسیار و یابه کارگیری حداکثر نشانه ها برای نشان دادن جزئیات آوایی صورت می گیرد این نوع آوانگاری آوانگاری تفصیلی نامیده می شود اگر جزئیات آوایی مورد توجه قرار نداشته باشد و آوانگاری به مقاصدی غیر آواشناختی مثلا برای فراهم آوردن

زمینه لازم برای تحلیلهای صرفی نحوی و معنایی انجام گیرد تعداد کمتری نشانه آوایی در آوانگاری به کار گرفته می شود در این شرایط زبان شناسی از آوانگاری کلی استفاده کرده است (همان منبع قبلی, ۱۳۹۱: ۲۴)

رابطه آوا با زبان و آواشناسی باز با شناسایی زبان شناسان عموما زبان را به صورت مجموعه پیچیده ای از نظامهای مجرد و ذهنی تعریف می کنند که جزء توانشهای مغز انسان بشمار می رود و برای ایجاد ارتباط بین افراد بشر به کار می آید بنابراین تعریف زبان یک پدیده مجرد و غیر مادی است از طرفی آوا در حقیقت امواج هوا است که خود نوعی ماده محسوب می شود در نتیجه آوا یک پدیده مادی است که از طریق گوش محسوس واقع می شود و نمی تواند جزئی از نظام ذهنی زبان به شمار آید (شناسی, ۱۳۹۲: ۱۲).

آواشناسی در سه شاخه متفاوت صورت می گیرد که عبارت اند از الف) آواشناسی تولیدی (articulatory phonetics)

ب) آواشناسی شنیداری (auditory phonetic)
پ) آواشناسی آکوستیک (acoustic phonetics)

آواشناسی تولیدی به توصیف آواها بر مبنای نقش اندامهای گفتار در تولید آنها می

پردازد برای نمونه اینکه هنگام تولید آوای (b) از جمله توصیفاتی است که در آواشناسی تولیدی ارائه می شود بنابراین می توان نتیجه گرفت که آواشناسی تولیدی تا اندازه بسیار با ویژگیهای زیست شناختی بدن انسان و تاثیر این ویژگیها بر تولید آواها سروکار دارد

در شاخه دیگری از آواشناسی به نام آواشناسی شنیداری به چگونگی دریافت آواها به وسیله شنونده پرداخته می شود مثلاً اینکه ما چگونه آوای (m) را درک می کنیم و قادریم میان (m) و (n) تمایز بگذاریم به این شاخه از آواشناسی مربوط می شود

در آواشناسی آکوستیک به ویژگیهای فیزیکی و صوت شناختی آواها بر مبنای این ویژگیها به دست داده شود

برای نمونه سنجش آواها به کمک ویژگیهایی مانند بلندی صدا (amplitude) که با واحد دسی بل (dB) اندازه گیری می شود بسامد یا فرکانس (frequency) که با واحد هرتز (Hz) اندازه گیری می شود و کشش (duration) در واحد هزارم ثانیه (msecs) در حیطه عملکرد آواشناسی آکوستیک قرار می گیرد (افراشی، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۵)

واحد های واجی عناصر ممیز معنی

آواهای زبان فارسی شش و بازدمی هستند. فارسی تهرانی بیست و سه صامت و شش مصوت و یک مصوت مرکب دارد. (ماهوتیان، ۱۳۸۳: ۲۷۲)

واج واجگونه

هر یک از واجهای همخوانی و واکه ای می تواند باز نمودهای یک واج محسوب می شوند. واجگونه (allophone) های آن واج نامیده می شوند مهم ترین تفاوت واج و واجگونه آن است که جایگزین کردن واجها به جای همدیگر در ساختمان واژه ها موجب همدیگر تغییری در معنی به وجود نمی آورد

برخی واجگونه های /d/ در زبان فارسی به شرح زیرند:

(۳۱) [d], [+ واکه] در دزد

(۳۲) [d], [واکه] در مزد

(۳۳) [d], [+ لبی شده] در «دور»

برخی واجگونه های /p/ در زبان فارسی در نمونه های (۳۴) تا (۳۷) معرفی شده است:

(۳۴) [ph], [+ دمش] در «پرواز»

(۳۵) [p], [- دمش] در «سوپ»

(۳۶) [pw], [+ لبی] در «پول» (افراشی، ۱۳۹۱: ۴۱)

واج شناسی

واج شناسی یکی از زیر نظامهای زبان شناسی است که به بررسی نظام آوایی زبان

واج آرای

الف- هم حروفی Alliteration (واج آرای مبتنی برصامت)

ب- هم صدایی Assonance (واج آرای مبتنی بر مصوت)

الف) هم حروفی Alliteration (واج آرای مبتنی برصامت)

هم حروفی به معنی تکرار یک صامت بابسامذیاد در جمله است در نظم انگلیسی قدیم این شگرد برای ارتباط بیشتر واژگان و بالابردن موسیقی شعرون صدا به کار می رفته است نمونه ای از هم حروفی در زبان انگلیسی :

Betty Botter bought some butter
نمونه هایی از مقولات مذکور در این کتاب عبارتند از: (زمردی، ۱۳۹۱: ۱۹۵) «فا» از آواز باد در درختان و آنچه بدان ماند (ابن سینا، ص ۸۹)

هم چنین واج آرای دکتر شفیع کدکنی از واج «ج» نمایش از معنای مرکزی «نبرد تضادها» و اندیشه «دوآلیسم» بابه کارگیری عناصر «جادو» و تلاش برای پیروزی از طریقی غیر معمول است : (زمردی، ۱۳۹۱: ص ۲۰۳)

جنگ ابرو آسمان / جنگ جن و جادو از کرانه ها (شفیعی، ص ۱۰۰)

از میان تعداد گسترده آوایی که در آشناسی مورد مطالعه قرار می گیرند

هر زبان صرفاً تعداد محدودی از این آواها را به کار می گیرد آوایی که در نظام یک زبان به کار گرفته می شوند نقش بر عهده شان گذاشته می شود این نقش ایجاب می کند که آوای مورد نظر در محدوده یک زبان ویژه بتواند تمایز معنایی به وجود آورد آوایی که در محدوده نظام یک زبان ویژه تمایز معنایی به وجود آورد «واج» (phoneme)

نامیده می شود. برای نمونه زبان فارسی از مجموعه جهانی و گسترده آواها آوایی مانند [p], [s], [t] را انتخاب کرده و در نظام آوایی نقش تمایز دهندگی معنایی را به همین دلیل اگر در واژه «پَر»، [p] را با [s] جایگزین کنیم. واژه «سر» بامعنی متفاوت به دست می آید. به همین ترتیب انتخاب [t] به جای [p] در واژه «سر» به ایجاد واژه «تر» می انجامد. به همین دلیل [p] [s] [t] سه واج در زبان فارسی به شمار می آیند. گفتنی است زبان شناسان قرار داد کرده اند و ا چهارا بین دو خط مورب واج خواهد بود. براساس آنچه گفته شد واحد زبانی و تاثیرات آنها بر هم در واج شناسی مورد توجه قرار می گیرد (افراشی، ۱۳۹۱: ۲۵-۲۶)

ب) هم صدایی Assonance (واج آرایه مبتنی بر مصوت)

هم صدایی نوعی از واج آرایه به معنی تکرار یا توزیع مصوت‌ها در کلمات است معانی و تداعی‌های مختلفی را از نظر روان‌شناسی رقم زد. هم صدای نیز در مقام نشانگر حروف، القاب معنای واحد می‌کند و از این طریق می‌توان

در واقع هم صدایی همچون هم حروفی نشانه‌شناسی را به معنی شناسی منجر می‌کند. از آن جاکه در خاصیت واج آرایه در مقوله‌ی هم حروفی^۰ (زمردی، ص ۲۰۴) «نام آوایی که فرهنگ‌نویسان نشناخته‌اند»

واژه کلاغ: فرهنگ‌نویسان آن را نام آوانمی دانند و صدای کلاغ را اغلب به صورت قاریا قار قاریا غار غار ثبت کرده‌اند همچنین به صورتهای کاغ، کاغ، کاغ، قاق، غاک چنان که قوقی گفته است: بس است «قوقی» این هرزه چانگی تاکی؟

از طرفی از بیتی از عسجدی برمی‌آید که کاغ کاغ نه تنها صدای ای گرفته کاغ کاغ از خشم ما همچون کلاغ کوه و بیشه جای کرده چون کلاغ و کاغ کاغ به علاوه واژه کلاغ به صورتهای کولاغ، غلاغ و قاق نیز به کار رفته است بنابراین باتوجه به این که واژه کلاغ

بسیار شبیه به صدای آن است و این که واژه کلاغ بسیار شبیه صداهایی است که فرهنگ‌نویسان برای این پرند بر شمرده‌اند به حدی که می‌توان گفت شباهت صدای غاغ (غاق) = قاق (باواژه کلاغ خیلی بیشتر است از شباهت صداهای مختلفی که برای کلاغ ذکر کرده‌اند مثلاً غار با کاغ، قاف، غاک- از طرفی چون واژه کلاغ به صورتهای مختلف مانند کولاغ، غلاغ و حتی قاف آمده است شکی نمی‌ماند که واژه کلاغ نام آواست

فاخته در فرهنگهای فارسی به صورتهای کوکو، غوغو آمده است که هر دو نام این پرند نیز هست: در بعضی موارد تعداد این گونه‌ها بسیار زیاد است

همچنین صدای خنده به صورتهای قاه قاه، قه قه، هاه، هاه، هر هر، هر هر، کرکر، غش غش

می‌بینیم که تفاوت واژه کلاغ با کاغ و قاق و غاک خیلی کمتر از فرق انواع صداهای خنده و گریه است.

بنابراین نه تنها واژه کلاغ نام آوا است بلکه واژه‌های دیگر که انواع مختلف این نوع پرند دلالت دارد همه نام آوا هستند مانند زاغ، غاق (کامیار، ۱۳۷۵: ۲۲-۲۳)

واژه غوک نیز از نظر فرهنگ‌نویسان نام آوانیست و حال آن که گوش براحتی احساس

می کند که غوک صدای غورباقه ووزغ است و نیاز به دلیل و برهان ندارد. از طرفی واژه های دیگر دال بر این حیوان یا انواع آن یعنی وزغ، یزغ، قورباغه (غورباغه) قورباغه، غورمه، وزغه نیز نام آوا هستند، حتی واژه های چغز، وکء، پکء نیز که نامهای دیگر این حیوان یا انواع آن است همه نام آویند.

تعداد این گونه نام آواها که شناخته نشده اند بسیار است. از جمله واژه خروس که از نظر صدا و وزن خیلی شبیه به قوقول است (مصوت «ور» و صامت کامی در هر دو مشترک است به علاوه هر دو واژه دوهجایی است. واژه خروس در لهجه های فارسی به صورتهای مختلف آورده است

واژه بلبل نیز نام آواست. شاید تعجب کنید اما واقعیت دارد زیرا فرهنگها واژه غلغل را صدای بلبل می دانند مثلاً در لغت لغت نامه دهخدا می خوانیم که غلغل شورید بلبلان و مرغان را گویند در حالت مستی. (به نقل از برهان قاطع) نام آواز بلبلان چون بسیار باشند ۰۰۰۰۰۰۰۰ سپس می افزاید (همان منبع قبلی، ۱۳۷۵: ۲۳-۲۴)

فاخته ۰۰۰۰۰۰۰۰ را با صدای آنها از طرف دیگر پیدا است که واژه شیر، اسب، فیل، گنجشک ۰۰۰ هیچ رابطه ای

با صدای آنها ندارد اما واژه گاو و خربه تقلید از صدای این حیوانات ساخته شده است. حتی نام بره نام آواست. زیرا صدای آن رابع بع گفته اند باید دانست که این واژه ها نام آوایی دارند ولی حتی اگر بر فرض شباهت لفظ و معنای آنها بر اثر تحولات واژه ها به وجود آمده باشد باز در اصل قضیه یعنی نام آو بودن آنها تاثیری ندارد و نام آوا هستند و نام آوا حس می شوند.

البته ممکن است که در کلام عادی نام آوا حس نشوند زیرا هدف این نوع کلام بر قراری ارتباط است اما در زبان شعور در کلامی که هدف از آن زیبایی آفرینی و نشان دادن و تصرف در روح و عواطف شنونده است و روی واژه ها و کء می شود نام آو بودن واژه ها اهمیت بسیار دارد و به نام آو بودن واژه ها توجه می شود و اگر هم آگاهانه توجه نشود باز نام آو بودن واژه ها در ذهن تاثیر می گذارد.

نام آوهای ناشناخته منحصر به حیوانات نیست واژه های ماچ نیز به تقلید از صدا ساخته شده و نام آوا هستند. حتی واژه پتک نیز نام آواست آن صدای برخورد پتکء بر آهن به گوش می رسد مقایسه کنید صدای کوبنده پتکء را با صدای تلفظ واژه های مترادف آن یعنی خایسکء و حتی کدین (البته در کدین

دو حرف کء و دضربه ای و «ن» طنین دارست و تاحدی حاکی از ضربه است اما درواژه خایسکء، خ و س سایشی است و تناسبی با کوبندگی ندارد. کء نیز در پایان واژه آمده است و چندان محسوس نیست. به علاوه دو هجایی بودن این دو واژه اختلاف آنها را با صدای واژه پتکء مضاعف کرده است) واژه های اره، رنده و خراط نیز نام آواست بویژه «ر» تکریری مشدد در «اره» بر صدا و عمل آن دلالت دارد و «ر» مشدد و خ بر صدا و عمل خراطی

چنین است واژه های زنجیر، زنکء، جرس، مال و غیره (همان منبع قبلی، ۱۳۷۵: ۲۵)

دو ویژگی نام آواها حاکی از طبیعی بودن آنهاست

دانشمندان معتقدند که نام آواها گرچه کمابیش واژه های طبیعی هستند اما به هر حال از قواعد زبان پیروی می کنند حتی یکی از زبان شناسان که نظری افراطی دارد معتقد است که نام آواها هم واژه های قرار دادی هستند یعنی دقیقا عین صدا نیستند. البته در این شکی نیست که همهء نام آواها دقیقا پژواکء صدا نیستند. به عبارت دیگر رابطه ای طبیعی میان لفظ و معنای نام آواها به صورت کامل و دقیق وجود ندارد

بلکه اغلب نام آواها رنگی از قرارداد دارند و این اجتناب ناپذیر است، زیرا صداها بسیار متعدد و متنوع که خصوصیات فیزیکی صوتی آنها از نظر کمیت بسیار متفاوت است در قالب تعدادی محدود واج (صوت) بریزیم، لذا خیلی طبیعی است که میان صداها و پژواکء نام آوایی آنها تفاوت هایی وجود داشته باشد. البته اگر در زبانی برای صدایی، حرفی، که با آن مطابقت داشته باشد، نباشد، از نزدیکترین حرف نزدیک به آن استفاده می شود. مثلا اگر ریگی را بر روی پوستی خشکء بکشیم صدای «خ» یا «جز» از آن برمی خیزد، حال اگر ریگی را بر روی پوستی خشک بکشیم صدای «خ» یا «جز» از آن برمی خیزد، حال اگر در زبانی حرف «خ» نباشد بجای آن از واج «کء» استفاده می گردد.

نام آواها مهم نیست که رنگی از قرارداد در بسیاری یا به قولی در همهء آنها هست بلکه این مهم است که کمابیش تا آنجا که امکان دارد میان لفظ و معنای آنها رابطهء طبیعی موجود است. (مثلا چنان که قبلا گفتیم میان لفظ فاخته و خود این پرنده هیچ رابطهء طبیعی نیست امامیان لفظ کوکو و این پرنده، رابطه ای طبیعی است، زیرا کوکو صدای فاخته است (کامیار، ۱۳۵۷: ۳۴) «نچ» که برای بیان تأسف به کار می رود

که برخلاف دیگر واژه ها دردم تولید می شود نه بازدم (البته این لفظ برای نفی نیز کاربرد دارد) * «خ» ممتد نیز که نام آوای حالت حفگی است از استثناها هست و خاص این نام آوای تقلیدی

ویژگی دوم خاص نام آواهای تقلیدی است - از آنجا که صداها محدود و معین نیستند، برای هر صدایی می توان نام آوایی به تقلید آن صدا ساخت *

مثلاً تق تق و تاق تاق از صداها معمول است و نام آوای معمول در فارسی است * ولی تق تق، تنق تاق، تنق تنق، تنق تاق، تنق تنق تاق، تنق تنق تاق و غیره را به تقلید صدا می توان ساخت که نام آواهای معمول زبان نیست به عبارت دیگر نام آواهای جدید هستند بنابراین به محض این که صدایی شنیده شود می توان نام آوایش را ساخت حتی اگر چنین نام آوایی در زبان به کار نرفته باشد و حال آنکه در زبان، ساختن کلمه به وسیله فرد هر دو است

زیرا برای دیگران مفهومی ندارد اما نام آواچون دلالت طبیعی بر مفهوم یاپژواکش دارد پذیرفته است و مفهوم آن را هر کس درمی یابد *

این دو ویژگی نه تنها وجود نام آوارا تایید می کند بلکه حاکی از آن است که نام آواها به

قدری طبیعی هستند که گاه فراتر از قواعد زبان هستند یعنی تسلیم قواعد زبان نمی شوند * (همان منبع قبلی، صص ۳۵-۳۶)

آواها در زبان فارسی زبان شناسان عرب در نامهای این گروه از صداها زبانی که در زبان انگلیسی ب vowels بصورت تفاوت بزرگ است *

موضوع را از حیث نظر تاریخی اشاره به نام این آواها به پدرم اسود دارد (المطلبی، ۱۹۸۴: ۱۵)

دانش آواها

این دانش طبیعی کار می کند و سایل الی، دانش آواها تجربی بروشهای مختلف طبیعت فیزیکی را بیان می کند نظریه واحدهای (واجی)

کلمهء (phon) در دانش زبان به معنای گوناگون یا آواییک، ای: صدا زبانی ساده که می توان ضبط کن به آلات در آزمایشگاه (اسس علم اللغة، ص ۴۷) که در همان معنی کلمهء (son) کار می کند اصطلاح، اصطلاح دیگر این (ph·neme) متولد می کند * یعنی (واحد آوانی) بر سازمان ادائی، این واحد بر صدا یک (phone) می آید (مالبرج، ۱۸۴۳: ۲۲۹)

دانش آوایی

این بررسی آواها زبان است، این شاخه

از شاخه ها زبان شناسی، ولی این شاخه از شاخه ها دیگر، این یعنی به زبان گفتاری بدون اشکال مشکلی نیست ارتباطات دیگر سازمان دارد دانش آواها به بیان زبانی اهمیت نمی دهد

بدون محتوایی که تحلیل آن بردستور ومعجم که هر اتصال زبانی میان مردم که سیستم از تعدادی از عنصر وجود دارد (مالبرج، ۱۸۴۳: ۶)

منابع وماخذ

افراشی : آریتا، ساخت زبان فارسی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ ششم، ۱۳۹۱.

ابن سینا، ابوعلی: مخارج الحروف، به اهتمام پرویز ناتل خانلری، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸

پور، قیصر امین، دستور زبان عشق دهخدا، علی اکبر: لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۲۵.

درستایش کیوترها، شفیع کدکنی، زمردی، دکتر حمیرا: نظریه ی نشانه شناسی حروف در متون فارسی، انتشارات دانشیار دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.

شناسی، علی محمد حق : آواشناسی، انتشارات کتابخانه ملی ایران، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۲.

کدکنی، محمد رضا شفیع: از زبان برگ، سخن، ۱۳۸۸.

کامیار، تقی وحیدیان: فرهنگ نام آوایی فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، تهران، ۱۳۷۵.

- ماهوتیان، شهرزاد: دستور زبان فارسی: نشر مرکز، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۳.

منابع به زبان عربی

المطلبی، غالب فاضل: فی الاصوات اللغویه دراسة فی اصوات المد العربیه، ۱۹۸۴

اسس علم اللغه مالبرج، برتیل : علم الاصوات، ناشر مرکز الشباب